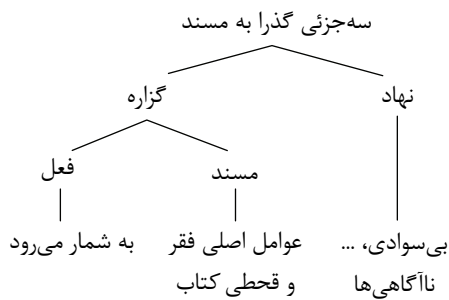


نمودار اجزای اصلی جمله:

۷- (۲)



«بیشتر سرزمین‌های جهان» گروه قیدی‌ست.

دَقّت کنیم! «به شمار رفتن» شکل بدونِ مفعولِ مصدر «به شمار آوردن» است؛ به بیان دیگر، فعل «به شمار می‌آورد» که جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و مسند می‌سازد، گاهی مفعول خود را از دست می‌دهد و جمله هم تبدیل به یک جمله‌ی «سه جزئی با مسند» می‌شود؛ در این حالت، «به شمار می‌رود» را باید معادل فعل اسنادی «است» بدانیم.

واژه‌های مشتق: دانش (دان + ش) / زمینه (زمین + ه) / فراگیری (فرا + گیر + ی) [۳ واژه]

۸- (۲)

واژه‌های مرکب: امکان‌پذیر (امکان + پذیر) [۱ واژه]

واژه‌های مشتق- مرکب: دست‌یابی (دست + یاب + ی) / گوناگون (گون + ا + گون) / بهره‌یابی (بهره + یاب + ی) [۳ واژه]

۹- (۳)

نهاد: سید محمدعلی جمال‌زاده، فرزند سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، پدر داستان‌نویسی جدید

گزاره: با زبان ساده و عامیانه و بهره‌گیری از لغات متداول و رایج در میان مردم نوشته‌های خود را شاخص و ممتاز ساخت.

شمارش تکواژها: با / زبان / — / ساده / و / عام / ی / انه / و / بهره / گیر / ی / از / لغت + ات / — / متداول / و / رایج / در / میان / — / مردم / نوشت / ه / ها / [ی] / — / خود / را / شاخص / و / ممتاز / ساخت / Ø (۳۳ تکواژ)

شمارش واژه‌ها: با / زبان / — / ساده / و / عامیانه / و / بهره‌گیری / از / لغات / — / متداول / و / رایج / در / میان / — / مردم / نوشته‌ها / [ی] / — / خود / را / شاخص / و / ممتاز / ساخت / (۲۶ واژه)

دَقّت کنیم! بسیاری از حروف و نشانه‌های عربی، در زبان فارسی به عنوان تکواژ پذیرفته شده‌اند، زیرا به وضوح، معنای مشخصی به واژه اضافه می‌کنند؛ این تکواژها به فراوانی به کار می‌روند و هر روز واژه‌های جدیدی می‌سازند؛ از آن دسته‌اند: «ی» نسبت، تنوین نصب (أ) و نشانه‌های جمع عربی «نون، سین و ات». روشن است که حتّی حذف «ة تأنیث» (ة نشانه‌ی مؤنث بودن) از واژه‌ی «لغات»، نمی‌تواند این موضوع را پنهان کند که «لغات» از «لغة + ات» تشکیل شده است.

با این حال، سازمان سنجش، واژه‌ی «لغات» را یک تکواژ و جمله را روی هم رفته دارای ۳۳ تکواژ می‌داند؛ به همین دلیل هم، گزینه‌ی (۳) به عنوان پاسخ درست معرفی شد.

ترکیب‌های وصفی: (۸ مورد)

۱۰- (۳)

این اندوه / اندوه وحشی / [این] سیاهی / سیاهی پریم / آن سنگلاخ‌ها / [آن] خارها / کودکان از دست رفته / اطفال از عطش سوخته
صفت اشاره / صفت بیانی / صفت اشاره / صفت بیانی / صفت اشاره / صفت اشاره / صفت بیانی / صفت بیانی

ترکیب‌های اضافی: سرپرده‌ی سوختگان / قطره‌ی آب (۲ مورد)

دَقّت کنیم! واژه‌های مشخص شده در عبارت «آن‌ها هم جز این که در آن سنگلاخ‌ها و خارها ...» ضمیر اشاره‌اند، نه صفت؛ چرا که بعد از آن‌ها اسم نیامده است؛ بنابراین، ترکیب وصفی نمی‌سازند.

در گزینه‌ی (۱) هیچ نامی از زندان‌های مسعود سعد سلمان نیامده اما در گزینه‌ی (۲) کلمه‌ی «نای»، در گزینه‌ی (۳) کلمه‌ی «مرنج» و در گزینه‌ی (۴) کلمه‌ی «سو» نام زندان‌هایی است که مسعود سعد در آن‌ها گرفتار بوده است.

۱۱- (۱)

می‌دانیم «حماسه‌ی طبیعی» حماسه‌ای‌ست که از پیش، در بین ملت‌ها وجود داشته و آفریده‌ی شاعر نیست، مانند «ایلیاد» و «ادیسه» اثر هومر، شاعر یونانی و «حماسه‌ی مصنوع» حماسه‌ای‌ست که در آن، همه‌ی افراد یک قوم یا ملت دخالت ندارند، بلکه شاعر، خود، آن را می‌سراید و در حقیقت به جای آفرینش حماسه به بازآفرینی آن می‌پردازد، مانند «حمه‌ی حیدری» از باذل مشهدی، «خاوران‌نامه» از ابن حسام خوسفی و «انه‌اید» اثر ویرژیل.

۱۲- (۲)

دَقّت کنیم! چنان‌که می‌بینیم، سؤال سه پاسخ درست دارد! به نظر، طراح محترم آزمون سراسری (!) در صورت سؤال، فعل جمله‌ی اول را به غلط به شکل «مثبت» و فعل جمله‌ی دوم را به غلط به صورت «منفی» آورده‌اند و در حقیقت، صورت سؤال می‌بایست این گونه باشد: کدام اثر «بازآفرینی حماسه» نیست، بلکه آفرینش حماسه محسوب می‌شود؟

خانگی و آرش: سیاوش کسرایی (دیگر آثار: با دماوند خاموش، از قرق تا خروس‌خوان)

۱۳- (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا): تیرانا، پالیزبان

(۱) علیرضا قزوه: از نخلستان تا خیابان، شبلی در آتش

(۳) سیدحسن حسینی: هم‌صدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل



(۱۴-۱)

تشبیه (اضافه‌ی تشبیهی): باران / اشک (وجه‌شبه: بسیار فروریختن)
 مشبّه به مشبّه

استعاره: «ابر» استعاره از چشم پراشک یا دل پرغم / «آتش» استعاره از غم و اندوه یا اشک گرم

کنایه: «پختگان» کنایه از عاشق / «خام» کنایه از انسان بی‌خبر از عشق

تضاد: پخته ≠ خام / باران ≠ آتش

دقت کنیم! در بررسی تضاد، لازم نیست دو کلمه دقیقاً مقابل و مخالف هم باشند (مانند سیاه و سفید)، بلکه می‌توانند مانند «آب» و «آتش» مفهوم و عملکرد متضاد و متقابل داشته باشند.

سایر آرایه‌های بیت:

اغراق: شاعر با تشبیه اشک به باران، در بسیاری آن اغراق کرده است.

تشخیص: دویدن عملی انسانی‌ست و نسبت دادن آن به باران یا اشک، نشان‌دهنده‌ی آرایه‌ی تشخیص (جان‌بخشی)‌ست، هرچند این آرایه رفته‌رفته به کنایه تبدیل شده، چنان‌که می‌گوییم: «خون توی صورتش دوید.» و «اشک روی گونه‌هایش دوید.»

مراعات‌نظیر: باران، ابر / آتش، پختگان، سوزش، خام

(۱۵-۲)

تشخیص (جان‌بخشی): مخاطب واقع شدن «صبا» و سخن گفتن شاعر با آن، و این‌که صبا توانایی سخن گفتن داشته باشد، نشان‌دهنده‌ی آرایه‌ی تشخیص (جان‌بخشی)‌ست.

کنایه: مفاهیم «رام گردیدن» و «رم کردن» درباره‌ی «آهو» مفاهیمی حقیقی‌اند، اما با توجه به این‌که خود «آهو» استعاره از معشوق شاعر است، این دو اصطلاح، مفهوم کنایی هم پیدا می‌کنند؛ «رام گردیدن» کنایه از مطیع شدن و «رم کردن» کنایه از سرکشی و نافرمانی‌ست.

استعاره: از آن‌جا که منظور از «استعاره» در سؤالات کنکور، عموماً استعاره‌ی مصرّحه است، باید به «آهو» که استعاره از «معشوق» است، اشاره کرد.

در این گزینه، جناس تام وجود ندارد، بلکه فعل «زاد» (زایید) تکرار شده است.

(۱۶-۳)

دقت کنیم! «جناس تام» به‌کار رفتن دو یا چند واژه است که با ظاهر یکسان و تلفّظ یکسان، معنی متفاوت داشته باشند.

آرایه‌ی جناس تام در سایر گزینه‌ها:

۱) «آهو»ی اوّل و دوم (غزال)، «آهو»ی سوم (عیب) ۲) «تَنگ» اوّل (یک لنگه از بار)، «تَنگ» دوم (متضادّ فراخ)

۴) «چین» در مصراع اوّل (پیچ و تاب و شکن)، «چین» در مصراع دوم (نام کشور)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): مژده‌ی وصال

(۱۷-۴)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) همه مطیع و شیفته‌ی معشوق‌اند. ۲) شرح غم دوری از معشوق و وطن

۳) دوری از اصل و میل بازگشت به آن

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۱): کام‌یابی در گرو «بر خلاف عادت عمل کردن» است.

(۱۸-۱)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) رواج ضدّ ارزش‌ها ۳) پافشاری عاشق بر عشق

۴) مصراع اوّل: شرح غم عشق / مصراع دوم: اغراق در بسیاری دل‌دادگانِ بار

معنی بیت سؤال: اگر همانند سنگ، سخت و انعطاف‌ناپذیر نیستی، [این‌طور] یخ‌زده و بی‌حرکت نباش؛ اگر همانند افراد لنگ، در حرکت، گُند نیستی، سریع‌تر بیا.

(۱۹-۱)

مفهوم بیت سؤال: دعوت به حرکت و تلاش / مفهوم گزینه‌ی (۱): رکود و انجماد

چنان‌که می‌بینیم، «حرکت و تلاش» مفهوم مقابل (متضادّ) «رکود و انجماد» است.

مفهوم گزینه‌ی (۲): سرشت بد تغییرناپذیر است و تربیت نمی‌تواند آن را تغییر دهد. / عاقبت، گرگ‌زاده گرگ شود.

(۲۰-۲)

مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و سایر گزینه‌ها: تقلید کورکورانه، هم سبب الگوبرداری ناقص و ناموفّق و هم موجب از یاد رفتن توانایی‌های قبلی می‌شود. گزینه‌ی (۴) فقط به قسمت اوّل این مفهوم (بی‌حاصل بودن تقلید کورکورانه) اشاره می‌کند.

مفهوم گزینه‌ی (۲): خوش‌خلقی / مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: کار را به کاردان سپردن

(۲۱-۲)

مفهوم گزینه‌ی (۲): همگانی بودن درد عشق / مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: لزوم تحمّل دشواری‌های راه عشق

(۲۲-۲)

مفهوم گزینه‌ی (۲): نکوهش انزوا و گوشه‌گیری هنرمندان؛ لذّت هنرمند از زندگی، در گرو هنر اوست.

(۲۳-۲)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: دعوت به انزوا و گوشه‌گیری

- مفهوم گزینه‌ی (۳): عشق پنهان‌کردنی نیست. / مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: حال زار عاشق، فاش‌کننده‌ی راز عشق است.
- مفهوم گزینه‌ی (۴): کام‌یابی در دنیا امری ناممکن است. / مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: بازگشت به اصل
- معنی گزینه‌ها:

- (۱) ماهی هنگامی‌که از دریا در خشکی می‌افتد، در تب و تاب است تا باز به اصل خود (دریا) برگردد.
- (۲) هر فرعی به اصل خود بازمی‌گردد و این سخن، پیش دانایان، صحیح و این مثل، رایج است.
- (۳) تن انسان، جزئی از اجزای جهان آفرینش است و این جزء (هر جزء) [روزی] به سوی کلّ خود (به اصل خود) برمی‌گردد.
- (۴) به دنبال کام‌یابی نباش، زیرا همگان در جایگاه پست دنیای خاکی، ناکام آمده‌اند و ناکام هم از دنیا می‌روند.

زبان عربی

(۲) - ۲۶

کلمات کلیدی: کُنْتُ أَعْرِفُ / صحف مدینتنا
مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها: «كُنْتُ أَعْرِفُ: می‌شناختم» معادل ماضی استمراری زبان فارسی است. [رد سایر گزینه‌ها]
«صحف مدینتنا: روزنامه‌های شهرمان» ترکیب اضافی است. [رد سایر گزینه‌ها]

(۳) - ۲۷

کلمات کلیدی: تُعَانِي / أَنْ تَتَعَرَّفَ
مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها: «تُعَانِي: رنج می‌برند» فعل مضارع است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
«دائماً» مفعول فیه و به معنای «همیشه، همواره» است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
«أَنْ تَتَعَرَّفَ: آشنا شوند» مضارع منصوب است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

(۳) - ۲۸

کلمات کلیدی: الْحِكْمَاءُ / دَوَاءُ
مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها: «الحكماء: حکیمان» [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
«دواء: دارو» [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

(۲) - ۲۹

«إِذَا» ادات شرط غیر جازم و مفعول فیه به معنای «زمانی‌که، آن‌گاه» است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
هرگاه فاعل اسم ظاهر باشد و فعل نیز غایب باشد در آغاز جمله به صورت «مفرد» می‌آید و فقط از نظر جنس «مذکر و مؤنث» با فاعل مطابقت می‌کند.

ترجمه‌ی دیگر گزینه‌ها:

- (۱) معلّم مرا گرامی داشت زیرا من به دوستانم کمک کردم.
- (۳) آنان همان کسانی هستند که دوست می‌دارند، چراغ‌های اَمّت باشند.
- (۴) خداوند تو را به خاطر شجاعتت در میدان نبرد شرافت و بزرگواری می‌بخشد.
- «دَوَّقَ» فعل ماضی مجهول و فعل شرط و معادل مضارع التزامی است و به معنای «چشاندن شود» است؛ و «فَرَحُوا» نیز جواب شرط و معادل مضارع اخباری است و به معنای «خوشحال می‌شوند» است.

(۱) - ۳۰

ترجمه‌ی دیگر گزینه‌ها:

- (۲) و اگر مصیبتی به آنان برسد به (دلیل) آن‌چه دروغ می‌پنداشتند. (چون همراه فعل مضارع «یکذبون»، «کانوا» آمده است به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود).

- (۳) همه‌ی آنان از رحمت پروردگارشان ناامید می‌شوند. («رحمة ربّهم» ترکیب اضافی است و باید پشت سر هم ترجمه شوند).
- (۴) پس خداوند بعضی از آن‌چه را انجام دادند، به آنان می‌چشاند شاید آن‌ها بازگردند! («يَذِيقُهُم» فعل مضارع است).

(۴) - ۳۱

ترجمه‌ی سؤال: «دنیا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت ترک مکن.» از نظر مفهوم با گزینه‌ی (۴) کاملاً متناقض است: «آخرت را به دست نمی‌آوری، مگر با ترک دنیا».

ترجمه‌ی دیگر گزینه‌ها:

- (۱) آن‌چه در آخرت است به وسیله‌ی آن‌چه در این دنیا است، کسب می‌شود.
- (۲) باید دنیا وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد.
- (۳) باید در دنیا برای آخرت کار کنی.

(۲) - ۳۲

«كَشَفَ كَرْدَهُنَّ: قَدْ اكْتَشَفُوا»، ماضی نقلی است. [رد گزینه‌ی (۱)]

«قَدْ اكْتَشَفُوا» صله‌ی موصول است که باید از نظر عدد و جنس با موصول خاصّ «الَّذِينَ» مطابقت کند. [رد گزینه‌ی (۳)]
«المسلمون» صفت است و باید به تبعیت از موصوف «العلماء» منصوب باشد و ضمناً «به وجود آمدن» مصدر است و معادل عربی آن «حدوث» است. [رد گزینه‌ی (۴)]



(۳۳-۱)

«ندانستی» ماضی ساده‌ی منفی است پس یا با «ما» و فعل ماضی می‌آید و یا با «آلم» و فعل مضارع [ردگزینه‌ی (۲)] در ضمن گزینه‌های (۳) و (۴) نیز رد می‌شوند چون در هر دو گزینه ضمیر «أنت» آمده است که در عبارت فارسی معادل آن وجود ندارد و خود فعل بر مخاطب بودن دلالت می‌کند و همچنین در این دو گزینه «بصیراً؛ بیناً» آمده است که در عبارت فارسی معادل آن وجود ندارد.

ترجمه‌ی درک مطلب:

إنَّ العمر معدود بالدقائق و الثواني (همانا عمر با دقیقه‌ها و ثانیه‌ها شمرده شده است) و بتضييعها نهمل جزءاً من حياتنا! (و با تباه کردن آن‌ها جزئی از زندگی‌مان را از دست می‌دهیم!)! إنَّنا يمكن أن نسترجع الثروة المفقودة بالاجتهاد، و المعرفة بالدرس ... (همانا برای ما امکان دارد که ثروت از دست رفته را با کوشش و درس گرفتن بازگردانیم ...) و أما الوقت المفقود فلا يمكن استرجاعه أبداً! (ولی وقت از دست رفته، هیچ‌گاه امکان بازگشتش نیست) فقد قيل: الوقت كالسيف (پس گفته شده است: وقت مانند شمشیر است) إنَّ لم تقطعه قطعك! (اگر آن را نبری، (آن) تو را می‌برد) فلهذا نرى أنَّ الناجحين كانوا ملتزمين (بنابراین می‌بینیم که افراد موفق پایبند بودند) بالاستفادة المفيدة من أوقاتهم. (با استفاده‌ی سودمند از اوقاتشان) يقال إنَّ أحد العلماء (گفته می‌شود که یکی از دانشمندان) قد مات أحد أقربائه، (یکی از نزدیکانش مرد) فأمر شخصاً آخر (پس به شخص دیگری دستور داد) يتولَّى دفنه، ... (که متولی دفنش گردد...) و هو لم يدع مجلس الدرس (و او مجلس درس را رها نکرد) للخوف من فوات شيء من العلم! (به خاطر از دست دادن چیزی از علم!) فهذه الثقافة بحاجة (و این فرهنگ نیاز دارد) إلى التربية من زمن الطفولة (به تربیت از زمان کودکی) حتَّى تنمو شيئاً فشيئاً! (تا کم کم رشد کند).

معنای کلمات این متن:

| | | |
|-------------------------------|--------------------------------|---|
| ۱- معدود: شمرده شده | ۲- الثواني: ثانیه‌ها | ۳- نهمل: از دست می‌دهیم، سهل انگاری می‌کنیم |
| ۴- تضييع: تباه کردن، تلف کردن | ۵- نسترجع: باز می‌گردانیم | ۶- المفقودة: از دست داده |
| ۷- استرجاعه: بازگشت آن | ۸- سيف: شمشیر | ۹- ملتزم: پای بند |
| ۱۰- مات: مرد | ۱۱- أقرباء: نزدیکان | ۱۲- يتولَّى: عهده‌دار می‌شود |
| ۱۳- لم يدع: رها نکرد | ۱۴- فوات: از دست دادن | ۱۵- إهمال: سهل انگاری |
| ۱۶- حان: رسید | ۱۷- نمتّاه: آن را آرزو می‌کنیم | ۱۸- مصنوعة: ساخته شده |
| ۱۹- يملأ: پر می‌کند | ۲۰- بغض النظر: با چشم‌پوشی | ۲۱- لا تنشأ: به وجود نمی‌آید |

(۳۴-۱)

«چگونه می‌توانیم افراد موفق باشیم؟»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- (۱) بدون تلف کردن وقت‌مان و بدون سستی در آن!
 (۲) با شرکت در مجالس علم و دانشمندان!
 (۳) با ترک راحتی و ملزم شدن به کار فقط!
 (۴) از کودکی باید موفقیت را بخواهیم و آن را آرزو کنیم!
- توضیح:** اگر از زمان‌مان استفاده کنیم و آن را تلف نکنیم در این صورت به موفقیت خواهیم رسید. شرکت در مجالس علم و دانشمندان ممکن است در بخش علم موفق باشیم اما در سایر زمینه‌ها نیاز به کارهای دیگر داریم. [ردگزینه‌ی (۲)] ملزم شدن به کار فقط موفقیت نمی‌آورد بلکه استفاده‌ی صحیح از زمان و عوامل دیگر همراه آن می‌توانند موفقیت بیاورند. [ردگزینه‌ی (۳)] تنها خواستن موفقیت برای به‌دست آوردن آن کافی نیست. [ردگزینه‌ی (۴)] «کی وقت ما را می‌برد؟»

(۳۵-۲)

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- (۱) زمانی که از آن استفاده می‌کنیم! (۲) زمانی که آن را تباه کنیم! (۳) هرگاه که شمشیر شود! (۴) زمانی که مرگ فرا برسد!
توضیح: در متن گفته شده زمان مانند شمشیری است که اگر آن را نبری تو را می‌برد. یعنی اگر از آن استفاده نکنی وقت را تباه و ضایع کرده‌ای.
 «هر چیزی امکان بازگشت آن است مگر ...»؛ کدام گزینه اشتباه است؟
توضیح: زندگی، زمان و فرصت اگر از بین برود هیچگاه دوباره باز نمی‌گردند پس باید از آن‌ها به نحو احسن استفاده کرد. اما فرهنگ همیشه قابل بازگشت است و می‌توان دوباره از آن استفاده کرد.

(۳۶-۳)

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۳۷-۴)

- (۱) زندگی از ثانیه‌ها تشکیل شده، پس هر کس آن‌ها را دوست داشته باشد، آن را از دست نمی‌دهد.
 (۲) برخی اوقات، وقت ما را تباه می‌سازد همان‌طوری‌که ما آن را تباه می‌کنیم.
 (۳) عادت‌ها و ارزش‌ها یک دفعه به وجود نمی‌آید بلکه نیازمند زمان است.
 (۴) همه‌ی اوقات ما باید با کار پر شود بدون نظر به نوع کار.
توضیح: در متن گفته شده است از وقت به خوبی استفاده کنیم نه اینکه در استفاده از آن افراط کنیم و همه‌ی آن را با کار بدون در نظر گرفتن نوعیت آن پر کنیم، بلکه بهینه استفاده کنیم.

حُرکت‌گذاری کامل عبارت: «يُمْكِنُ أَنْ نَسْتَرْجِعَ الثَّرْوَةَ الْمَفْقُودَةَ بِالْإِجْتِهَادِ، أَمَّا الْوَقْتُ الْمَفْقُودُ فَلَا يُمْكِنُ إِسْتِرْجَاعُهُ.»

مبتدا و مرفوع فاعل و مرفوع

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) الثَّرْوَةُ ← الثَّرْوَةُ (مفعول به و منصوب) / المفقودة ← المفقودة (صفت و منصوب به تبعیت)
 - (۲) الثَّرْوَةُ ← الثَّرْوَةُ (مفعول به و منصوب) / لا يُمْكِنُ ← لا يُمْكِنُ (مضارع مرفوع و «لا» حرف نفی است)
 - (۳) نَسْتَرْجِعُ ← نَسْتَرْجِعُ (مضارع منصوب) / المفقود ← المفقود (صفت و مرفوع به تبعیت از مبتدا «الوقت»)
 - (۴) نَسْتَرْجِعُ ← نَسْتَرْجِعُ (مضارع منصوب) / المفقود ← المفقود (صفت و مرفوع به تبعیت از مبتدا «الوقت»)
- حُرکت‌گذاری کامل عبارت: «هُوَ لَمْ يَدْعُ مَجْلِسَ الدَّرْسِ لِلْخَوْفِ مِنْ قَوَاتٍ شَيْءٍ مِنَ الْعِلْمِ، فَهَذِهِ الثَّقَافَةُ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّرْبِيَةِ.»

مفعول و منصوب

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) الدَّرْسُ ← الدَّرْسُ (مضاف الیه و مجرور) / لِلْخَوْفِ ← لِلْخَوْفِ (اسم الف و لام دار تنوین نمی‌گیرد)
- (۲) قَوَاتٍ ← قَوَاتٍ (اسم مضاف تنوین نمی‌گیرد) / شَيْءٍ ← شَيْءٍ (مضاف الیه و مجرور)
- (۳) قَوَاتٍ ← قَوَاتٍ (به تبعیت از مبتدا «هذه» مرفوع می‌شود) / بِحَاجَةٍ ← بِحَاجَةٍ (اَلْ) ندارد و مضاف واقع نشده و اسم غیر منصرف نیست، پس تنوین می‌گیرد.

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) معتل و اجوف ← صحیح و سالم «رجع».
- (۲) لازم ← متعدّد / فاعله «الثروة» ← فاعله «نَحْنُ» الضمیر المستتر.
- (۳) للمتكلم وحده ← للمتكلم مع الغير.

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) باب تفعیل ← باب افعال / فاعله الضمیر المستتر ← فاعله «استرجاع» الاسم الظاهر
- (۲) مجرّد ثلاثي ← مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب إفعال / معتل ← صحیح و سالم و مادّته: «م. ك. ن» / فاعله ضمیر «هُوَ» المستتر ← فاعله «استرجاع» الاسم الظاهر
- (۳) متعدّد ← لازم / مبني للمجهول ← مبني للمعلوم / نائب فاعله ضمیر «هُوَ» المستتر ← فاعله «استرجاع» الاسم الظاهر

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) معرّف بالإضافة ← نكرة / حال و منصوب ← خبر لفعل ناقصة «كَانَ» و منصوب
- (۲) جامد ← مشتق و اسم فاعل من باب افتعال / حال ← خبر لفعل ناقصة «كَانَ» و منصوب
- (۳) اسم مفعول ← اسم فاعل
- (۴) نُسَمِّي: سمو «ناقص» (۲) يعفون: عفو «ناقص» (۳) يَنْسَوْنَ: نسي «ناقص»

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

- (۱) شاهدت: شهد «صحیح و سالم» / نَسِي: ناقص / تعاتب: عتب «صحیح و سالم»
- (۲) اشترينا: شري «ناقص» / هَيَّأْنَا: هَيَّأَ «اجوف» / تتناول: فعل «اجوف» و ريشه‌ی آن «ن، و، ل»
- (۳) تَدَعُ: ودع «مثال» / تخاف: خوف «اجوف» / يصيب: صوب «اجوف»
- ضمیرهای «أَنْتِ، كِ» با فعل مضارع «تخافين» از نظر صیغه «للمخاطبة» یکسان هستند.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

- (۱) «يَخَافُ» للغائب است ولی با «عَلَيَّ، عَلَيَّ ي: متكلم وحده» از نظر صیغه ناهمگون است.
- (۲) «تخافون» للمخاطبين است ولی با «هَمْ» و موصول «الذين» از نظر صیغه ناهمگون است.
- (۳) «أَنْتَما» للمخاطبين است ولی با «يخافان» و «هما» از نظر صیغه ناهمگون است.
- فعل «يُتْرَكُ» مضارع مجهول است: «اجازه نده که احترام خردسالان به سبب خردسالیشان ترک شود».

بررسی دیگر گزینه‌ها:

- (۱) أَكْرَمَ: فعل مضارع معلوم از باب تفعیل و فاعل آن ضمیر مستتر «أنا» و مفعول به آن نیز «والدَيَّ» است که به علت مضاف بودن، نون مثنی حذف شده است. «والدينم را با اطاعت از آن دو و توجه به دستوراتشان گرامی می‌دارم.»
- (۲) يُمْكِنُ: فعل مضارع معلوم و فاعل آن ضمیر مستتر «هُوَ» / نَغَيَّرَ: فعل مضارع منصوب معلوم و فاعل آن ضمیر مستتر «نَحْنُ» و مفعول به آن نیز «يَوْمَ» است. «نمی‌توانیم روز اجرای نمایشنامه را تغییر دهیم.»
- (۳) أَرَيْدُ: فعل مضارع معلوم و فاعل آن ضمیر مستتر «أنا» / تُخَيِّرُ: فعل مضارع منصوب و معلوم و فاعل آن ضمیر مستتر «أَنْتِ» و کلمه‌ی «الآخرين» مفعول به و منصوب / أَنْفَقْتُ: فعل و فاعل آن ضمیر بارز «تُ» و مفعول به آن «لَهُ» ضمیر متصل است. «می‌خواهم که دیگران را به آنچه که در راه خدا اتفاق کرده‌ام، باخبر کنم.»



«عَنْدَ» مفعول فیه (ظرف مکان) و منصوب: «مادر دختر کوچکش را نزد خویش نشاند تا برای او داستانی را حکایت کند».

(۴۶) - (۱)

بررسی دیگر گزینه‌ها:

۲) «عَنْدَ» مفعول فیه (ظرف زمان): «پزندگان آسمان را هنگام پروازشان در غروب دلربا می‌سازند».

۳) «إِذَا» مفعول فیه (ظرف زمان): «دوست من هنگامی که درباره‌ی مشکلاتم با او صحبت می‌کنم به آن توجه می‌کند».

۴) «مَتَى» مفعول فیه (ظرف زمان): «به مادرم گفتم چه زمانی می‌توانیم رنگین‌کمان را مشاهده کنیم؟!».

(۴۷) - (۴)

بررسی دیگر گزینه‌ها:

۱) أب: موصوف / المریض: نعت، مضاف‌الیه «ی» میان موصوف و صفت فاصله ایجاد کرده است. «پدر مریضم را بر پشتم تا بیمارستان حمل کردم».

۲) عالماً: موصوف «اسم نکره» / يُطَالَعُ: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب «فارابی دانشمندی بود که در نور چراغ نگهبانان مطالعه می‌کرد».

۳) سِیَّارَاتٍ: موصوف / السَّریعة: نعت، «هُمَّ» میان آن‌ها مضاف‌الیه و محلاً مجرور است. «مسافران از ماشین‌های خود سریع برای استقبال از رزمندگان پیاده شدند».

کلمه‌ی «قَوْلًا» تمییز و منصوب است.

(۴۸) - (۱)

بررسی دیگر گزینه‌ها:

۲) مَوَاجَهَةً: مفعول مطلق

۳) صَبْرًا: مفعول مطلق

۴) سُبْحَانَ: مفعول مطلق

«خیر» اسم تفضیل و کلمه‌ی «درجَةً» تمییز و منصوب است که ابهام، اسم تفضیل را برطرف کرده است: «اعمال تو از نظر درجه از من بهتر است، زیرا مادرت از تو راضی است».

(۴۹) - (۴)

مستثنی‌منه ضمیر مستتر «نحن» است. پس مستثنی‌منه محذوف نیست بلکه مستتر است.

(۵۰) - (۴)

بررسی دیگر گزینه‌ها:

۱) «مَنْ» مستثنی است و «أَحَدٌ» محذوف، مستثنی‌منه می‌باشد.

۲) «اللَّهُ» مستثنی و «أَحَدٌ» محذوف، مستثنی‌منه است.

۳) «مَنْ» مستثنی و «أَحَدٌ» محذوف، مستثنی‌منه است.

فرهنگ و معارف اسلامی

خداوند وعده داده است که هرکس که در راه خدا، که راه خوشبختی خودمان است، تلاش کند او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و کسانی که در [راه] ما تلاش و مجاهده کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است».

(۵۱) - (۴)

قرآن کریم در آیات ۷۱ و ۷۲ سوره‌ی ص می‌فرماید: «آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گِل خلق خواهم کرد. چون او را بیاراستم و از روح خود در او دمیدم پس برای او به سجده درآیید.» مطابق این آیات، ابتدا بعد مادی انسان شکل می‌گیرد و سپس بعد روحانی او (تقدم شکل‌گیری بعد مادی بر بعد غیرمادی) و بعد غیرمادی وجود انسان به سبب آن‌که به خدا نسبت داده شده، از بعد مادی برتر و بالارزش‌تر است (تاخر ارزشی بعد مادی از بعد غیرمادی). هم‌چنین دستور خداوند مبنی بر مسجود فرشتگان شدن آدم، به تبع (به‌دلیل) وجود بعد روحانی و بهره‌مندی انسان از روح الهی است؛ زیرا پس از دمیدن روح، به فرشتگان امر می‌کند که برای او به سجده درآیید.

(۵۲) - (۴)

براساس آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی مائده، ایمان به خدا و رستاخیز (من آمن بالله و البوم الآخر) و انجام عمل نیک (و عمل صالحاً)، رهایی از حزن و ترس را به همراه دارد (فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون). سؤال موردنظر، ابتدای آیه را مدنظر قرار داده است، لذا گزینه‌ی (۳) صحیح می‌باشد. این آیه گرچه پیرامون تفکر الهی نسبت به مرگ است، اما باید توجه داشت که «عدم ترس و حزن» نصیب همه‌ی افرادی نمی‌شود که مرگ را طلوعی از پس غروب و تولدی دیگر می‌دانند. بلکه علاوه بر این اعتقاد، ایمان به خدا و عمل صالح نیز لازم است تا به مژده‌ی «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» نائل شوند.

(۵۳) - (۳)

عبارت قرآنی «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الأرض نتبوا من الجنة (بهشت اخروی) حیث نشاء فنعم اجر العاملين» اشاره به رستاخیز دارد، عبارت «الذین تتوفاهم الملائكة (توفی اشاره به دریافت تمام و کمال روح پس از مرگ برای ورود به عالم برزخ دارد)... ادخلوا الجنة (بهشت برزخی) بما کنتم تعملون»، اشاره به برزخ دارد. و عبارت «قیل ادخلوا ابواب جهنم (جهنم اخروی) خالدین فیها فیئس مثنوی المتکبرین»، مربوط به عالم رستاخیز است.

(۵۴) - (۴)

خداوند متعال در سوره‌ی انشقاق چنین می‌فرماید: «هنگامی که آسمان شکافته می‌شود و به [فرمان] پروردگارش گوش فرا دهد، حق [همین] است.» شکافته شدن آسمان که در این آیات آمده، مبین تغییر در ساختار زمین و آسمان در نفخ صور اول است.

(۵۵) - (۳)

۵۶- (۱)

آیات شریفه‌ی: «هرکس می‌داند آن‌چه را که آماده و حاضر کرده است» و «بپشید آن‌چه را می‌اندوختید» به رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر در عرصه‌ی قیامت اشاره می‌کند که در آن‌جا تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود، بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هرکس عین عمل خود را می‌بیند (تجسم اعمال).

۵۷- (۴)

سخن امام خمینی (ره) اشاره به بی‌زاری و تنفر از باطل و دشمنان خدا (تبری) دارد. زیرا دینداری گرچه با دوستی خدا آغاز می‌شود اما تنفر از ضد او را نیز به دنبال دارد. بر همین اساس خداوند به رسول خود می‌فرماید: «لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادَّ الله و رسوله، مردمی را نیایی که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند درحالی‌که دوستی کنند با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند.»

۵۸- (۴)

«علم به ادامه‌ی ترک معروف و عمل به منکر» از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، «رعایت مصلحت مخاطب» از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر است و نیز «قبول شهادت از سوی امام حسین (ع) و یاران وفادار او» از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا اگر انجام یک امر معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، ممکن است به خاطر آن پذیرش بسیاری از ضررها واجب باشد (شرایط وجوب).

۵۹- (۲)

با توجه به آیات قرآن کریم، مهم‌ترین فایده‌ی روزه عبارت است از: تقوا، پاکی و پارسایی. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَثَل آدم‌های بی‌تقوا مَثَل سوارکارانی است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته، به بالا و پایین می‌برند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند.»

۶۰- (۲)

راه زندگی یا «چگونه زیستن» مبین نیاز به کشف راه درست زندگی است و این‌که انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند» و کدام هدف است که به زندگی‌اش معنای متعالی می‌دهد، در ارتباط با نیاز به درک هدف زندگی می‌باشد. پاسخ به این نیازها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود. در حالی‌که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است.

۶۱- (۱)

خداوند در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی زمر می‌فرماید: «ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم؛ پس هر که هدایت یافت، به سود خود اوست و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود گمراه می‌شود.» براساس عبارت «فمن اهتدی فلنفسه و من ضلَّ فآثمًا یضِلُّ علیها» خداوند به انسان اختیار داده و انسان با تعقل و تفکر خود، مختار است که هدایت الهی را بپذیرد یا رد کند. و عبارت «انَّا انزلنا علیک الکتاب» به هدایت انسان با ارسال کتاب اشاره می‌کند. بنابراین موضوع آیه، هدایت انسان با ابزار تعقل و تفکر و ارسال کتاب است. هدایت انسان با ارسال پیامبران و کتاب، هدایت تشریعی نامیده می‌شود.

۶۲- (۴)

اگر پیامبری در هنگام اجرای فرمان‌های الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی مخالف دستورات الهی انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند. بنابراین «مقام الگویی پیامبران» مرتبط به عصمت در عمل به فرمان الهی است. اگر پیامبری در مقام تعلیم و تبیین دین معصوم نباشد، امکان انحراف در تعلیم الهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود. بنابراین «جلب اعتماد دیگران به خود» مربوط به عصمت در تعلیم و تبیین دین است. اگر پیامبری در دریافت و ابلاغ وحی معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت از مردم سلب می‌شود. بنابراین «فراهم کردن زمینه‌های هدایت مردم» مربوط به عصمت در دریافت و ابلاغ وحی است.

۶۳- (۱)

آیه می‌فرماید: «و پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی و با دست خود آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند.» بنابراین مطابق آیه، «امی بودن پیامبر» نشانی بر اعجاز قرآن می‌باشد.

۶۴- (۳)

آیه‌ی ۶۰ سوره نساء می‌فرماید: «الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضللهم ضلالاً بعیداً، آیا ندیدی کسانی که گمان می‌کنند ایمان دارند به آن‌چه به سوی تو نازل شده و آن‌چه پیش از تو نازل گشته، می‌خواهند داوری نزد طاغوت برند، در حالی‌که فرمان دارند به او کافر باشند و شیطان می‌خواهد که آن‌ها را به گمراهی دور گمراه کند.» بنابراین مطابق ادامه‌ی آیه، کسانی که گمان می‌کنند به دین خدا ایمان دارند اما به طاغوت مراجعه می‌کنند و حل مشکلات اجتماعی را از او می‌خواهند، شیطان آنان را فریب داده و در گمراهی آشکار به سر می‌برد.

۶۵- (۲)

مهم‌ترین مشکلی که از ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) ایجاد شد این بود که مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره می‌ماندند و به ناچار سلیقه‌ی شخصی را در احکام دینی دخالت می‌دادند.

۶۶- (۴)

با توجه به معنای آیه: «این بدان سبب است که خداوند تغییر نمی‌دهد نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، مگر آن‌که آن‌ها وضع خویش را تغییر دهند.» مفهوم می‌گردد که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد. بدین صورت که تغییر در جوامع به تحول درونی همه یا بیشتر افراد نیاز دارد. بنابراین عبارت «یغیروا ما بانفسهم» به معنای این است که آن‌ها، خودشان وضع خویش را تغییر دهند. یعنی تغییر نعمت‌های الهی، تابع تغییر درونی انسان‌ها است نه نفسانیات. دقت کنیم که عبارت «انفسهم» به معنای خودشان است نه نفسانیات.



- ۶۷- (۲) حدیث مطرح شده در صورت سؤال و آیهی شریفه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری کاملشان بخشیدیم.» بیانگر جایگاه برتر انسان در میان مخلوقات می‌باشد.
- ۶۸- (۱) ریشه‌ی بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند. این امر از مصادیق شرک در عبادت است.
- ۶۹- (۳) عبارت «فاعبد الله» اشاره به توحید عبادی دارد. اولین ثمره‌ی اخلاص در بندگی که عبارت «مخلصاً له الدین» بیانگر آن است، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است.
- ۷۰- (۴) عبارت «قد جاءکم بصائر من ربکم، به راستی رهنمودهایی از پروردگارتان نزد شما آمده است» به «نزول رهنمودهای الهی بر انسان» و عبارت «فمن ابصر فلنفسه و من عمی فلیها، پس هرکه بینا گشت، به سود خودش و هرکس کوری پیشه کرد، به زیان خودش است» به «اختیار انسان در قبول یا رد آن» دلالت دارد.
- ۷۱- (۳) امام صادق (ع) می‌فرماید: «به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود.» این حدیث در ارتباط با سنت امتحان و ابتلاء می‌باشد. قرآن کریم نیز در آیه‌ی ۲ سوره‌ی عنکبوت درباره‌ی این سنت خداوند می‌فرماید: «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمناً و هم لا یفتنون، آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند، همین که گویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی‌شوند؟»
- ۷۲- (۲) آن‌چه رسول خدا (ص) برای تحقق آن تلاش می‌نمود، بر پا ساختن جامعه‌ای عدالت‌محور بود. یکی از جنبه‌های عدالت‌خواهی رسول خدا (ص) مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود. ایشان همه‌ی امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست. قرآن کریم در این باره خطاب به ایشان فرمود: «فلذلک فادع و استقم کما امرت و لا تتبع اهواءهم و قل آمنتم بما انزل الله من کتاب و امرت لأعدل بینکم»
- ۷۳- (۱) آیه‌ی شریفه‌ی «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و صاحبان امر را که از شمایند، اطاعت کنید.» بیانگر تبعیت از فرمان‌های خدا، رسول و صاحبان امر (قبول ولایت الهی) از معیارهای تمدن اسلامی می‌باشد.
- ۷۴- (۱) اقدامات ضروری برای تقویت بنیان‌های جامعه‌ی خود و رسیدن به شاخص‌های تمدن متعالی اسلام عبارت‌اند از: ۱- همراه کردن دیگران با خود، ۲- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری، ۳- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی، ۴- تقویت عزت نفس عمومی.
- ۷۵- (۲) هر نوع تجارتی که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. هم‌چنین تقلید از مدهایی که شبیه‌شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آن‌ها را به دنبال دارد، حرام است. شرکت در جشن‌های شادی، مانند جشن عروسی، در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.

زبان انگلیسی

- ۷۶- (۱) چه جوان باشیم چه پیر می‌توانیم از ورزش لذت ببریم.
- توضیح: ساختار “whether ... or ...” به معنی “چه ... چه ... خواه ... خواه ... زمانی به کار می‌رود که با وجود داشتن دو شرط، نتیجه یکسان باشد.
- ۷۷- (۲) A: نامه‌هایی را که روی میز آشپزخانه گذاشتم کجاست؟
B: آن‌ها را برداشتم و به پست‌خانه بردم.
- توضیح: ۱) pick up فعل مرکب جدا شدنی است و مفعول به صورت ضمیر مفعولی فقط قبل از جزء قیدی (up) به کار می‌رود.
۲) از آن جایی که the letters در جمله‌ی اول به کار رفته بنابراین در جمله‌ی دوم یک اسم معرفه است و به حرف تعریف the نیاز دارد. این فیلم آشنا به نظر می‌رسد. احتمالاً آن را قبلاً دیده‌ایم.
- ۷۸- (۳) توضیح: ساختار “may / might have + pp” برای بیان احتمال انجام عملی در گذشته به کار می‌رود.
- ۷۹- (۱) کسی که حرفه‌اش به هم وصل کردن سیم‌ها (سیم‌کشی) یا تعمیر لوازم [برقی] است برق‌کار نامیده می‌شود.
- ۸۰- (۱) ۱) برق‌کار، سیم‌کش ۲) محقق ۳) مبتکر، پیشناز ۴) کاشف
ما داریم قیمت تمام محصولاتمان را پایین می‌آوریم تا بتوانیم تعداد بیشتری از آن‌ها را بفروشیم.
- ۸۱- (۳) ۱) پایین آوردن ۲) نادیده گرفتن ۳) ثبت کردن، ضبط کردن ۴) استخدام کردن
فقط آن نوع دارو، اثر کاملاً خوبی روی من دارد. “effect” (اثر، تأثیر) به معنی “influence” می‌باشد.
- ۱) عاطفه ۲) فشار ۳) اثر، تأثیر ۴) کارکرد، عملکرد

۸۲- (۲)

ساختمان‌های بسیاری به خاطر زلزله در آن ناحیه به شدت آسیب دیدند.

- (۱) به تلق و تولوق انداختن
(۲) آسیب رساندن به
(۳) باعث ... شدن
(۴) جای ... را پیدا کردن

۸۳- (۴)

مری برای آن کار انتخاب شد برای این‌که از بقیه بهتر بود.

- (۱) داوطلبانه
(۲) آگاه، هوشیار
(۳) اهل مُد
(۴) بهتر، برتر

۸۴- (۴)

متأسفانه به اندازه‌ی کافی از نظر علمی، اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی آغاز حیات بر روی زمین نداریم.

- (۱) به لحاظِ روحی
(۲) به‌طورِ مصنوعی
(۳) مدام
(۴) از نظر علمی

۸۵- (۱)

به مری پیشنهاد کردیم که او را برسانیم ولی او اصرار کرد که خودش پیاده برود.

- (۱) تأکید ورزیدن بر، اصرار ورزیدن بر
(۲) دنبال ... گشتن
(۳) [نمک و غیره] دادن، رساندن
(۴) شامل ... بودن

مریخ چهارمین سیاره از خورشید و بعد از کروی زمین است. این [سیاره] نسبت به زمین تقریباً یک و نیم برابر از خورشید دورتر است، و به همین دلیل به همان اندازه، گرما دریافت نمی‌کند. با این وجود، این تنها سیاره‌ای است که شرایطی مشابه زمین دارد و برای مدت‌های مدیدی تصور می‌شد که نوعی از حیات را تأمین می‌کند. مریخ تقریباً به اندازه‌ی نصف زمین است اما فقط یک دهم جرم زمین را دارد، به‌همین خاطر جاذبه‌ی آن خیلی کمتر است. فاصله‌ی آن از خورشید متغیر است، همین‌طور فاصله‌اش تا زمین. وقتی مریخ در نزدیک‌ترین (فاصله) با زمین است، چنین گفته می‌شود که «در مقابل [زمین]» است و این بهترین زمان برای مشاهده‌ی آن با تلسکوپ می‌باشد.

۸۶- (۳)

- (۱) زدودن، اخراج کردن
(۲) آزاد کردن، ترشح کردن
(۳) دریافت کردن، گرفتن
(۴) بازیافت کردن، بازیابی کردن

۸۷- (۱)

- (۱) شرط، (در جمع) شرایط
(۲) مقصد
(۳) مقایسه
(۴) پیوند

۸۸- (۴)

توضیح: was believed فعل مجهول در زمان گذشته ساده است.

۸۹- (۲)

- (۱) مثل
(۲) فقط
(۳) هیچ
(۴) بسیار(ی)

۹۰- (۲)

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، از صفت عالی (closest) استفاده می‌کنیم.

گاليله در سال ۱۶۱۰ میلادی پادوا را ترک کرد تا «اولین فیلسوف و ریاضی‌دان» دوکِ توسکانی شود. این (کار) زمان بیشتری برای پژوهش به وی داد و در سال ۱۶۱۳ میلادی کتابی به نام «یادداشت‌هایی درباره‌ی لکه‌های خورشیدی» منتشر کرد و در آن، علاوه بر این‌که برای اولین بار به تشریح لکه‌هایی پرداخت که روی خورشید ظاهر می‌شوند، اعتقاد خود به تئوری کوپرنیک یعنی گشتن زمین به دور خورشید را نیز ابراز کرد. این امر موجب تعارض گاليله با کلیسای کاتولیک رم شد که هنوز به تعالیم بطلمیوس عقیده داشتند و اظهار می‌کردند که تمامی مسیحیان نیز باید به آن معتقد باشند. در سال ۱۶۱۶ پاپ، گاليله را مجبور کرد که قول دهد از عقاید کوپرنیک دفاع نکنند، (آن‌ها را) آموزش ندهد و (از آن‌ها) دفاع نکنند. گاليله برای داشتن زندگی آرام به فلورانس رفت و مطالعاتش را رها نساخت، اما خیلی نمی‌نوشت. با این حال او در سال ۱۶۳۲ کتاب «گفتگویی درباره‌ی دو نظام بنیادی جهان» را منتشر کرد که باز هم در آن از نظریه‌ی کوپرنیک دفاع کرد. این کتاب در سرتاسر اروپا تحسین شد. اما گاليله توسط دادگاه تفتیش عقاید به رم فرا خوانده و تحت تهدید به شکنجه به وی امر شد تا عقایدش را انکار کند. او هم این کار را کرد و در سال ۱۶۳۴ میلادی به او اجازه داده شد تا به خانه‌ی خودش بازگردد، مشروط بر این‌که آن‌جا را ترک نکند.

گاليله در سال ۱۶۳۸ میلادی کتاب ارزشمند دیگری به نام «گفتگویی درباره‌ی دو دانش جدید» منتشر کرد که عقایدش را درباره‌ی علم نوین مکانیک شرح می‌داد [که این عقاید] بعدها به‌وسیله‌ی آیزاک نیوتن بسط یافت. او در سال ۱۶۳۷ میلادی نابینا شد اما تا زمان مرگش در هشتم ژانویه‌ی ۱۶۴۲ در آرچتری نزدیک فلورانس، به فعالیت خود ادامه داد.

۹۱- (۴)

طبق متن، گاليله

(۱) در سال ۱۶۱۳ درباره‌ی لکه‌های خورشیدی مطالعات تحقیقاتی انجام داد

(۲) یادداشتی در مورد خورشید منتشر کرد و آن را برای دوک فرستاد

(۳) دوکِ توسکانی را که ریاضی‌دان بود ملاقات کرد

(۴) حتی بعد از این‌که نابینا شد دست از کار علمی‌اش برنداشت



- ۹۲- (۴) گالیه در اولین کتابش
- (۱) به تعالیم بطلمیوس اعتقاد داشت
(۲) بیشتر مسیحیان را مجبور کرد تا عقیده‌اش را بپذیرند
(۳) تعارض خود را با کلیسای کاتولیک رم اعلام کرد
(۴) اعتقاد خود را به نظریه‌ی کوپرنیک درباره‌ی زمین اعلام کرد
- ۹۳- (۳) این متن اشاره می‌کند که در فلورانس، گالیه
- (۱) به‌خاطر نابینا بودن در خانه ماند
(۲) کتاب‌های بسیاری نوشت
(۳) دست از مطالعه برداشت
(۴) تصمیم گرفت با کسی صحبت نکند
- ۹۴- (۱) کلمه‌ی “defended” (دفاع کردن) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به “supported” دارد.
- (۱) طرفدار ... بودن، حمایت کردن (۲) بیان کردن
(۳) توضیح دادن، شرح دادن (۴) عوض کردن، عوض شدن
- ۹۵- (۳) گالیه به رم احضار شد برای این‌که او را منتشر کرد.
- (۱) علم جدید مکانیک
(۲) کتابی به نام یادداشت‌هایی درباره‌ی لکه‌های خورشیدی
(۳) کتابش (با عنوان) گفتگوی درباره‌ی دو نظام بنیادی جهان
(۴) کتاب بالارزش دیگری به نام گفتگوی درباره‌ی دو دانش جدید

امروزه وقتی مردم از کاریکاتور صحبت می‌کنند، معمولاً منظورشان نقاشی‌های خنده‌داری است که تقریباً در هر روزنامه و مجله‌ای منتشر می‌شود، (یعنی) نقاشی‌هایی از یک صحنه یا موقعیت که قرار است خنده‌دار باشند. البته برخی از کاریکاتورهای روزنامه‌ها، به ویژه آن‌هایی که درباره‌ی سیاست می‌باشند، منتقدانه هستند؛ آن‌ها اغلب رویداد مهم یا جالبی از یک لحظه را به گونه‌ای شرح می‌دهند که اهمیت آن را آشکار می‌سازد. این کارتون‌ها اغلب شامل کاریکاتورهای اغراق‌آمیز و چهره‌های خنده‌داری از افراد حقیقی (برای مثال سیاستمداران) هستند - چرا که اگر کاریکاتوریستی بخواهد از یک رهبر سیاسی انتقاد کند یا نشان دهد که از او بیزار است یکی از بهترین راه‌ها، احق و مضحک جلوه دادن وی از طریق کاریکاتور است.

یکی دیگر از کاربردهای واژه‌ی کارتون به معنای نوعی «داستان فکاهی مصور» در روزنامه‌ها و بخش فکاهی است که داستانی را در یک مجموعه از تصاویر کوچک روایت می‌کند. برخی از داستان‌های فکاهی مصور کلمه ندارند؛ بقیه شامل گفتگوهایی در نقاشی‌ها در بخش‌هایی به نام حباب [ابر] هستند.

فیلم‌های کارتونی نظیر فیلم‌های والت دیسنی، «کارتون‌های متحرک» هستند؛ یعنی آن‌ها فیلم‌هایی هستند که از تعداد زیادی نقاشی‌های مجزا تشکیل شده‌اند که پشت سر هم تصویربرداری شده و بسیار سریع روی صفحه، نمایش داده می‌شوند تا این‌که اشکال موجود، متحرک به نظر برسند.

- ۹۶- (۲) کدام نوع کاریکاتور هدف جدی‌تری را دارد؟
- (۱) چهره، پُرتره
(۲) کاریکاتورهای سیاسی
(۳) داستان‌های فکاهی مصور
(۴) فیلم‌های کارتونی
- ۹۷- (۴) در عبارت “strip cartoons”، “strip” به معنی “a narrow piece” است.
- (۱) حباب [ابر] (۲) نقاشی (۳) بدون کلمه (۴) قطعه‌ی باریک
- ۹۸- (۳) کدام جمله درباره‌ی این متن درست نیست؟
- (۱) نقاشی‌های فکاهی بعضی صحنه‌ها یا موقعیت‌ها باعث خنده‌ی ما می‌شوند.
(۲) بعضی از کارتون‌ها بیانگر رویداد مهم یا جالبی است.
(۳) بعضی‌ها بر این باورند که کاریکاتورها هر چیزی هستند که باعث خنده‌ی ما می‌شوند.
(۴) بیشتر کاریکاتورهایی که در مجلات و روزنامه‌ها منتشر می‌شود باعث خنده‌ی ما می‌شوند.
- ۹۹- (۴) فیلم‌های کارتونی که توسط والت دیسنی ساخته می‌شوند
- (۱) داستان‌های فکاهی مصور هستند
(۲) در حباب [ابر]ها گنجانده می‌شوند
(۳) چند شکل متحرک نیستند
(۴) بر اساس یک نقاشی نیستند
- ۱۰۰- (۲) بهترین عنوان برای این متن می‌تواند باشد.
- (۱) درست کردن کاریکاتورها
(۲) انواع کاریکاتورها
(۳) کاریکاتورهای روزنامه‌ها
(۴) کاریکاتورهای مجلات